

تحلیل مسئولیت ارگان های بین المللی در راستای نقض

رعایت تغییرات ژنتیکی

مریم میرشکالی^۱

زهره باغبانی

چکیده

مسئولیت ناشی از نقض قواعد حقوقی، ستون فقرات همه نظام های حقوقی به حساب می آید. با توجه به شناسایی سلسله مراتب بین قواعد حقوقی در قالب قواعد اساسی، بنیادین، ارگانیک و عادی، نظام مسئولیت برای به کارگیری واکنشهای مقتضی نسبت به نقض قواعد برتر از قواعد عادی، به مسئولیت کیفری و مدنی طبقه بندی شده است؛ به گونه ای که واکنش به نقض های اساسی قواعد برتر که در عین حال منتهی به مسئولیت کیفری ناقضان می شود، به حقوق کیفری واگذار شده است. مسئولیت در حقوق بین الملل نیز نقش تعیین کننده ای در تضمین رعایت قواعد حقوقی ایفا می کند، این نقش نسبت به حقوق داخلی دارای اهمیت بیشتری است چرا که جامعه بین المللی برخلاف جامعه داخلی فاقد اقتدار عمومی برای تضمین رعایت قواعد حقوقی آن است. از این رو وجود یک نظام حقوقی مسئولیت مدرن، می تواند حتی در نبود سازوکار اجرایی تاجای ممکن کاستی های نظام حقوق بین الملل را جبران، و رعایت قواعد آن را تضمین نماید. قواعد مسئولیت بین المللی وضعیت هایی را که در آن یک دولت برای نقض تعهد بین المللی دارای مسئولیت می شود، و نیز آثار این مسئولیت را تعیین می کند.

واژگان کلیدی: ژنتیک، ارگان های بین المللی، تغییرات ژنتیکی، نقض قانون

بخش اول: مفهوم مسئولیت بین المللی دولت‌ها

یکی از موضوعات مهم و پراهمیت حقوق بین الملل در دوران معاصر مسئولیت بین المللی دولت است؛ زیرا که این موضوع رابطه نزدیکی با دیگر حوزه‌های حقوق بین الملل بویژه مبحث حقوق بین الملل بشر دارد. بنابراین تبیین دقیق مسئولیت بین المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین الملل است. بر مسئولیت بین المللی دولت آثاری مفید و ارزشمند مترتب است؛ لزوم جبران خسارت مادی و در مواردی معنوی از زیان دیده نمونه بارز چنین آثاری است. توسعه این نهاد حقوقی سبب تضمین منافع قدرت‌های کوچک در مقابل قدرت‌های بزرگ است.

اولین تلاش‌ها برای تدوین مقرراتی در باب مسئولیت بین المللی به زمان کنفرانس تدوین حقوق بین المللی لاهه یعنی به سال ۱۹۳۰ میلادی باز می‌گردد. معهدا تلاش‌های جامعه بین المللی تا به حال، به جز تهیه چند پیش‌نویس از سوی کمیسیون حقوق بین المللی، به ثمر نرسیده‌اند. علی‌رغم وجود مقررات مدنی در قلمرو مسئولیت بین المللی دولت‌ها باید گفت که کارهای کمیسیون حقوق بین الملل سازمان متحد در این مورد اگر نگوییم که یکی از منابع حقوق بین الملل در باب مسئولیت بین المللی هستند، حداقل باید بپذیریم مهم‌ترین اسناد بین المللی قابل استفاده در این موضوع می‌باشند.^۱

پس از سال‌ها جنجال بر سر تصویب طرح مسئولیت بین المللی کشورها، کمیسیون حقوق بین الملل در نهایت موفق به تصویب طرحی ۵۹ ماده‌ای در باب مسئولیت بین المللی کشورها

^۱. ناصری لاریجانی، نغمه، تعامل میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۲، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹.

در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی^۱ شد. کمیسیون، ضمن گرایش بیشتر به تئوری خطر، در انتساب مسئولیت، بر خلاف رفتار جنبشهای شورشی، رفتار انجام شده در غیاب مقامات رسمی، رفتار هدایت شده از جانب یک کشور و رفتار ارگانهای یک کشور را حتی در صورت تجاوز از اختیار، علی‌الأصول بدان کشور منتسب دانسته‌است. هنگامی که عمل کشوری با تعهد آن مطابق نبوده، اما اقدام مزبور بدان کشور منتسب باشد، کشور مسئول است. کشوری که به کشور دیگر، در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی، معاونت یا مساعدت کند، به دلیل ارتکاب چنین امری، به همراه کشور اخیر از نظر بین‌المللی مسئول است. در این طرح، رضایت، دفاع مشروع، اقدامات متقابل، فورس ماژور، اضطرار و ضرورت از کیفیات مانع متخلفانه بودن عمل بین‌المللی دانسته شده است. همچنین کشور مسئول، قادر نخواهد بود به عنوان توجیهی برای قصور در مطابقت با تعهداتش، بر مقررات قانون داخلی خود اتکا کند.

به موازات نظریات مسئولیت بین‌المللی کلاسیک (قدیم)، امروزه نظریه متضاد و جدیدی در این خصوص به نام نظریه مسئولیت اعمال منع نشده ارائه گردیده است. بر خلاف نظریات کلاسیک در مورد خطا و خطر که موجب جبران خسارت می‌شد، یعنی ابتدا باید تعهد بین‌المللی نقض شود، سپس جبران خسارت شود، درنظریه جدید، ترمیم وجبران خسارت، یک تعهد اولیه بوده و منوط به تحقق عمل خلاف نیست. لذا صرف وارد شدن خسارت از سوی یک کشور برای ایجاد مسئولیت کافی است. هرچند که رفتار یا عمل صورت گرفته، از نظر حقوق بین‌الملل مجاز دانسته شود. عوامل زمینه ساز ایجاد این نظریه انطباق با پیشرفت علوم جدید، فعالیت‌های مجاز کشورها و عوامل زیست محیطی

۳ | ۱. Draft Articles on Responsibility of States for International Wrongful Act Report the ICL on the Work of Fifty-Third Session. Nov 2001 .

می‌باشند. در عرصه‌ی محیط‌زیست، ممکن است با نوعی اختلال، که علی‌رغم اتخاذ تمام اقدامات احتیاطی، ایجاد گردیده، مواجه شویم. در چنین مواردی ظاهراً هیچ‌گونه تعدی و تجاوزی به قواعد حقوقی صورت نگرفته‌است و از این لحاظ نمی‌توان دولت مزبور را به خاطر اعمالش که خلاف موازین بین‌المللی نیست مسئول دانست. در عین حال، غیر منصفانه است که وضعیت فعلی کشور و یا اشخاص زیان دیده که بدون خطای خود متحمل خسارت شده‌اند نادیده گرفته شود. به منظور رفع این نارسایی و نیاز مبرم حقوقی، کمیسیون حقوق بین‌المللی از سال ۱۹۸۰ میلادی تلاش خود را برای تهیه پیش نویس کنواسیون جامع در مورد مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده به وسیله‌ی حقوق بین‌الملل آغاز نمود.^۱ در ابتدا قرار بود این نوع مسئولیت به حوزه‌ای خاص از حقوق بین‌الملل محدود نشود، اما پروفیسور باکستر مخبر ویژه‌ی کمیسیون در گزارش مقدماتی خود خاطر نشان کرد که جلوه‌گاه اصلی مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده، همواره مخاطرات زیست محیطی است.

بر همین اساس، وی با موافقت کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته‌ی ششم مجمع عمومی، تصمیم گرفت کار خود در این عرصه را به مسائل زیست‌محیطی محدود کند. نتیجه این - که، هدف کمیسیون حقوق بین‌الملل از ایده‌ی مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده، فراهم آوردن مبنای جبرانی برای فعالیت‌هایی است که در عین داشتن عوارض زیانبار، از نظر اجتماعی کاملاً سودمند و ضروری هستند. این مسئله در موضوع دستکاری ژنتیکی در گیاه و حیوان مصداق می‌یابد که در کنار فواید غیر قابل انکار این فناوری برای تولید بیشتر و بهره‌وری بالاتر مواد غذایی؛ دارای اثرات نامطلوبی بر محیط‌زیست می‌باشد که در گفتار

^۱. زمانی، سید قاسم، توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجله پژوهش‌های حقوقی،

بعد بدان پرداخته می‌شود.^۱

در کنار طرح مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل، اندیشه مسئولیت کیفری دولت به عنوان یک شخص حقوقی، از مدت‌ها پیش توسط حقوقدانان به صورت‌های گوناگون مطرح بوده و تلاش‌هایی در این زمینه انجام گرفته است. اما بحث نظری آن از زمان تدوین ماده ۱۹ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها و طرح مسأله «جنایت بین‌المللی دولت» در سال ۱۹۶۷ میلادی با صراحت در صحنه بین‌المللی مطرح شد. این سند بین‌المللی برای اولین بار در ماده ۱۹، اعمال غیرقانونی بین‌المللی دولت‌ها، یعنی اعمالی را که ناقض یک تعهد بین‌المللی است، به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ای را جرایم بین‌المللی و دسته‌ای را شبه جرم بین‌المللی نامید. دلایل و مدارکی را نیز برای این تقسیم‌بندی ارائه کرد. بند ۲ ماده ۱۹ تعریف روشنی از جرم بین‌المللی ارائه نداده است، به طور کلی، جرایم بین‌المللی شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی است که یک تعهد مهم و بنیادین را که از نظر منافع جامعه بین‌المللی دارای اهمیت اساسی است، نقض می‌کند. مانند نقض جدی تحریم تجاوز، حق تعیین سرنوشت، حقوق بشر در مقیاس وسیع (مانند برده‌داری، کشتار جمعی، تبعیض نژادی) و مقررات اساسی برای حفظ محیط زیست. این تعریف بسیار کلی است، اما می‌توان گفت که کمیسیون مزبور، «جرم» را که یک عنوان مجرمانه بوده و کاملاً جنبه جزایی دارد، در مقابل تخلف «شبه جرم» که مراد از آن اعمال حقوقی و مدنی است و مسئولیت ناشی از آن ناظر به جبران خسارت است، به کار برده است. این طرح بیانگر یک ایده واقعی است که اشخاص حقوقی از جمله دولت - کشور، همانند اشخاص حقیقی مسئولیت کیفری دارند، هرچند تاکنون

^۱. تیموری، منبع پیشین، صص ۹۶-۹۴.

جنبه الزام آوری نداشته است.^۱

بند ۴ ماده ۱۹ طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل، در مورد دسته ای از اعمال غیرقانونی بین المللی تصریح می کند که هر عمل غیرقانونی بین المللی که طبق بند ۲ جرم بین المللی نیست، شبه جرم بین المللی محسوب است. ارتکاب یک جرم بین المللی، حقوق و تکالیفی را برای جامعه بین المللی به وجود می آورد. از جمله، تمام دولت ها حق دارند علیه کشور مجرم، به نقض تعهد مربوطه استناد کنند و به اتخاذ تدابیر لازم برای مقابله با آن پردازند. هدف این است که دولت ها برای استقرار قواعد اساسی و بنیادین جامعه بین المللی همت گمارند. از آن جا که عملاً مسئولیت کیفری با چالش های عمده ای از جمله حاکمیت دولت ها، نادیده گرفتن حقوق ملت ها و مداخله در امور داخلی کشورها، به خصوص فقدان مرجع بین المللی فراتر از دولت ها روبه رو است، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تعریف روشنی از جرم و جنایت ارائه نداده و تنها به ذکر مصادیق اکتفا نموده است. ماده ۲۵ اشاره می کند که این اساسنامه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت.^۲

در خاتمه موضوع مسئولیت بین المللی دولتها باید به این موضوع اشاره کرد که مسئولیت دولتها در نقض تعهدات بین المللی به حوزه مدنی محدود می شود و مسئولیت کیفری دولت مفهومی غیر قابل پذیرش و یا حداقل خام در حقوق بین المللی و عرفی می باشد لذا با اثبات وصف بین المللی برای تعهدات حقوق بشر، می توان نقض آنها را به عنوان رکن موضوعی عمل نامشروع بین المللی تلقی کرده و با بیان رکن فاعلی یعنی قابلیت انتساب

^۱. دوپوئی، پی یر ماری، ملاحظاتی پیرامون جرم بین المللی دولت، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی- بین المللی، شماره سیزدهم، ۱۳۶۹، ص ۲۷۱.

^۲. حلمی، نصرت الله، مسئولیت بین المللی دولت و حمایت سیاسی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۹.

اعمال ناقض حقوق بشر به دولت، ساز و کارهای احراز مسئولیت بین المللی را تبیین کرد. عواملی همچون رضایت، دفاع مشروع، قوه قاهره، اضطراب و ضرورت با از بین بردن وصف نامشروعیت از عمل دولت مانع ایجاد مسئولیت بین المللی دولت بر مبنای خطا می شود هر چند مسئولیت مبتنی بر خطر نسبت به خسارات ناشی از عمل دولت بدون تقصیر و خطا جای بحث و تأمل دارد.

مسئولیت ناشی از نقض حقوق بشر با توجه به ماهیت متفاوت تعهدات مذکور از دیگر تعهدات بین المللی یعنی اثبات ماهیت عام الشمول هنجارهای حقوق بشر و به مرحله آمره رسیدن برخی از آنها و همچنین انتفاء وصف تقابل در این تعهدات مسئولیتی متمایز از مسئولیت بین المللی دولتها در قبال تخطی از تعهدات دیگر حقوق بین الملل می باشد. بدین معنا که عام الشمول بودن این تعهدات به معنی ذینفع تلقی شدن همه اعضاء جامعه بین المللی در حفظ و حراست از آنها بوده که با نقض آنها همه کشورها حق استناد به مسئولیت دولت خاطی را خواهند داشت، این حق تنها یک حق فردی و انحصاری نبوده تا دولتها بتوانند به هر نحو که بخواهند در مورد آن معامله و مصالحه کنند. بلکه حقی است که ناشی از تکلیف اخلاقی همه آحاد بشری در حمایت از حقوق اساسی بشر می باشد که به شکل حقوقی نهادینه شده است و دولتها تکلیف و تعهد در استعینا حق مذکور دارند و این می تواند احقاق حق افراد که در وضعیت کنونی حقوق بین الملل راهی برای دستیابی آنها به محاکمه بین المللی به جز ترتیبات منطقه ی محدود همچون دادگاه اروپایی حقوق بشر و یا راهکار حمایت سیاسی وجود ندارد تضمین کند.

آثار مسئولیت بین المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر در وهله اول در ایجاد تعهدات

ثانوی دولت ناقض در توقف نقض حقوق بشر و جبران خسارت در قالب اعاده وضع به

حال سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت ظاهر می‌شود. در نقض‌های فاحش و شدید علاوه بر تعهدات ثانوی مذکور تعهداتی هم برای جامعه بین‌المللی مبنی بر به رسمیت نشناختن وضعیت ایجاد شده در اثر نقض، عدم کمک به دولت ناقض و تلاش در جهت پایان دادن نقض با همکاری همدیگر بوجود می‌آید. بنابراین نقض هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر از سوی دولتها موجبات مسئولیت بین‌المللی آنها را فراهم می‌آورد و آنها را موظف به پاسخگویی به همه کشورهای جهان و متعهد به تعهداتی جدید در جبران عمل خود می‌نماید.^۱

بخش دوم: مسئولیت دولتها ناشی از عدم رعایت قواعد حقوق بشری در زمینه تغییرات ژنتیکی

مسئولیت‌پذیری دولتها یکی از با اهمیت‌ترین مباحث در حقوق بشر بین‌المللی در زمینه تغییرات ژنتیکی به حساب می‌آید. حقوق دانان، مسئولیت‌پذیری را به معنای تعهد بر عملکرد در برابر حقوق بین‌الملل تفسیر کرده‌اند. این تفسیر نقش با اهمیتی را در روابط بین‌المللی دولت‌ها بازی می‌کند. در واقع شالوده پایبندی به اصول حقوق بشری را اصل مسئولیت‌پذیری دولتها و تعهدات آنها بر حقوق بین‌المللی می‌سازد.

موضوع تعیین ژنوم انسانی علاوه بر مصارف پزشکی و علمی صلح‌آمیز می‌تواند به عنوان سنگ بنای مخوف‌ترین تسلیحاتی که می‌تواند به دست بشر ساخته شود به کار رود، سلاحی که نه ساختمان‌ها و تأسیسات بلکه فقط انسان‌ها را هدف قرار خواهد داد، آن هم نه همه انسان‌ها بلکه یک نژاد یا قومیت خاص را. در سال ۱۹۹۷ میلادی، ویلیام

^۱. شریعت، عبد اله، مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم، استاد راهنما محمد قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱، ص ۱۲.

کوهن،^۱ وزیر دفاع آمریکا، به این موضوع به عنوان یک خطر بالقوه اشاره نمود.^۲ در سال ۱۹۹۸ میلادی، متخصصین تسلیحات بیولوژیکی اعلام داشتند که سلاح ژنتیک قابل طراحی و تولید است و حتی ادعا نمودند که دانشمندان شوروی سابق برخی آزمایشات را برای شناسایی تأثیر مواد مختلف بر روی ژن‌های انسانی انجام داده‌اند.^۳ البته سازمان سیا نیز از قبل برنامه خود در مورد ژن‌ها را آغاز کرده بود. پروژه سوسمار^۴ یک مرکز تحت کنترل سازمان سیا است که در ایالت نوادا واقع بوده و در آن آزمایش‌های محرمانه انسانی با موضوع دی‌ان‌ای انجام می‌گیرد. فعالیت این مرکز بسیار محرمانه بوده و اطلاعات چندانی در مورد آن در دسترس نمی‌باشد. لذا در سطح جهانی به ویژه کشورهای توسعه یافته از مصادیق علم ژنتیک همچون دستکاری ژنتیکی به عنوان سلاحی جهت برتری در قرن ۲۱ استفاده می‌کنند، حال آنکه اکثر این فعالیت‌ها به صورت محرمانه بوده و حتی در صورت اطلاع مجامع حقوق بشری تا کنون مورد پیگیری قرار نگرفته است، زیرا مبانی مسئولیت دولت‌ها و مراجع مربوطه در این زمینه صریحاً مشخص نگردیده است.

همچنین امکان ساخت یک بمب ژنتیکی در کتاب پرفسور وینسنت ساریش و فرانک میلی^۵ با عنوان نژاد: واقعیت تفاوت‌های انسانی، که در سال ۲۰۰۴ میلادی منتشر شد، مورد تأیید قرار گرفت. مؤلفین معتقد بودند که اطلاعات کسب شده از پروژه ژنوم انسانی در همین راستا مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در سال ۲۰۰۵ میلادی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ چنین اعلام کرد که احتمال اینکه یک گروه قومی خاص مورد هدف یک

^۱. William Kohn.

^۲. http://web.archive.org/web/20041118074748/http://www.defense.gov/transcripts/1997/t042897_t0428coh.html. p 741.

^۳. www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/plague/interviews/davis.html. p 61.

^۴. Chameleon Project.

^۵. Vincent Sarich and Frank Miele.

عامل بیولوژیکی قرار گیرد چندان دور نیست. این سناریوها زائیده تخیلات کمیته نیستند بلکه توسط تعداد زیادی از متخصصین مستقل و دولتی مورد تأیید قرار گرفته‌اند.^۱ در نوامبر سال ۱۹۹۸ میلادی، روزنامه ساندی تایمز گزارش داد که اسرائیل در تلاش است تا یک بمب قومی شامل یک عامل بیولوژیکی که می‌تواند ویژگی‌های ژنتیکی خاص در اعراب را مورد هدف قرار دهد، طراحی و تولید نماید.^۲ وب‌سایت وایرد نیوز و همچنین فارن ریپورت نیز این گزارش را تأیید نمودند.^۳ متعاقب این ماجرا، روزنامه‌هایی به مانند نیویورک‌پست و سایر رسانه‌ها با حمله به این گزارشات آنها را کاملاً بی‌پایه و اساس دانسته و در کل وجود چنین بمب‌هایی را غیرقابل امکان توصیف نمودند. این در حالی است که همانگونه که در بالا نیز اشاره شد، وزیر دفاع پیشین آمریکا و کمیته صلیب سرخ بین‌المللی وجود چنین تهدیداتی را کاملاً محتمل و قابل امکان توصیف کرده بودند. با این وجود، موضوع بمب نژادی اسرائیل نیز به مانند سایر برنامه‌های تسلیحاتی این کشور بدون هیچ گونه بررسی دیگری رها شده و از آن پس سخنی در مورد تسلیحات نژادی این رژیم گفته نشد. قسمت دوم مقاله هیچگاه ارائه نشد و هیچیک از منابع مورد استفاده در این گزارش شناسایی نشدند. مؤلفین گزارش ساندی تایمز یعنی اوزی ماهنائیمی و ماری کالوین دیگر هیچگاه به صورت علنی در مورد این موضوع سخنی نگفتند. روزنامه روسی کومرسانت^۴ در ماه می ۲۰۰۷ میلادی با انتشار گزارشی اعلام نمود که دولت روسیه صادرات هر نوع نمونه بیولوژیکی انسانی به خارج از کشور را ممنوع اعلام نموده است. بر اساس این گزارش، دلیل ممنوعیت فوق ارائه یک گزارش محرمانه از جانب سرویس

^۱. www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/gas-protocol-100605.htm.p 273.

^۲. Uzi Mahnaimi; Marie Colvin (1998-11-15). "Israel planning 'ethnic' bomb as Saddam caves in". The Sunday Time.

^۳. <http://www.wired.com/politics/law/news/1998/11/16272>. p.p 174-179.

^۴. www.kommersant.ru/doc.html. p.p 76-78.

مخفی امنیتی روسیه بود که بیان می‌داشت سازمان‌های غربی در حال انجام آزمایشات بر روی بیوتسلحات ژنتیکی هستند که می‌تواند مردم روسیه را مورد هدف قرار دهد. در گزارش مذکور سازمان‌های دخیل در این آزمایشات عبارت بودند از: دانشکده بهداشت عمومی هاروارد، اتحاد بین‌المللی بهداشت آمریکا، اداره محیط زیست و منابع طبیعی وزارت دادگستری آمریکا، مؤسسه کارولینسکا و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا.

با توجه به نمونه‌های مطرح شده در بالا موضوع قابل توجه آن است که در سطح بین-المللی تنها اسناد حقوقی به تعهدات دولتها و نهادهای بین‌المللی اکتفا کرده اند و در موضوع دستکاری ژنتیکی صریحا جرم انگاری نشده است، همچنین در عرصه جهانی جرایم و مسئولیت‌های ناشی از تغییرات ژنتیکی نامطلوب صریحا مشخص نگردیده و نهاد حقوقی تخصصی برای رسیدگی به این قبیل موضوعات تاسیس نشده است، حال آنکه تولیدات محصولات اصلاح شده ژنتیکی و همچنین دستکاری در ژنوم انسان همچنان ادامه دارد. اما نکته حائز اهمیت آن است که می‌توان عمل دولتی را که فعالیت دستکاری ژنتیکی نامطلوب را چه بوسیله ارگانهای دولتی تخصصی و چه از طریق شرکت‌های بیوتک مرتکب می‌شود، مطابق اسناد بین‌المللی حقوق بشری جنایت و یا جرم بین‌المللی تلقی کرد تا بتوان دولت مورد نظر را دارای مسئولیت بین‌المللی دانست.

وجود مقاصد سیاسی و نظامی در آزمایش و پژوهش بر روی انسان، مشابه آنچه در آلمان نازی رخ داد، امروزه می‌تواند به موجب اسناد مربوط به نسل‌کشی، ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی،^۱ ماده ۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق،^۲ ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی روآندا،^۱ ماده ۲ کنواسیون منع نسل

^۱. The Rome Statute of the International Criminal Court (1998).

^۲. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), (1993).

کشی محکوم و مجازات گردد. از هنگام تصویب کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون، مصادیق جنایات نسل‌کشی در اسناد گوناگون بین‌المللی ثابت مانده‌اند و از این رو، در این بند، تنها به بررسی نسل‌کشی مندرج در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در مطابقت با اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا و کنوانسیون منع نسل‌کشی تنظیم شده، پرداخته می‌شود. این ماده دربرگیرنده مصادیقی است که می‌توان آنها را در دو بخش جنایات فیزیکی و جنایات بیولوژیکی بررسی کرد. سه بند اول این ماده، در ارتباط با جنایات فیزیکی قتل، لطمه شدید به تمامیت جسمی یا روحی و قرار دادن افراد در شرایط زیستی منجر به نابودی فیزیکی است که امکان بروز هر سه مورد در عملیات گوناگون دستکاری ژنتیکی وجود دارد. دو بند پایانی این ماده دربرگیرنده جنایات بیولوژیکی جداسازی مردان از زنان و منع ازدواج آنها با یکدیگر و انتقال اجباری کودکان به گروه‌های دیگر است و به نظر می‌رسد از موضوع نوشتار حاضر، خروج موضوعی داشته باشد.

همچنین به موجب اسناد مربوط به رفتار غیرانسانی و شکنجه، مانند بند ۲ از قسمت دوم ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، انجام آزمایش‌های زیست‌شناختی، می‌تواند مصادق شکنجه و یا رفتار غیرانسانی به شمار آید. افزون براینکه انجام چنین آزمایش‌هایی همراه با ایجاد درد و رنج روحی و جسمی، جنایت علیه بشریت و عملی غیرانسانی محسوب می‌شود که در بند ۱۱ از قسمت اول ماده ۷ اساسنامه رم می‌گنجد.

در بند ب از قسمت دوم ماده ۱۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل شماره یک ژنو ۱۹۷۷ میلادی در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، انجام آزمایش‌های علمی و پزشکی حتی با رضایت خود اشخاص

^۱. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), (1994).

ممنوع شده است.^۱

با این حال، قوانین بین‌المللی حقوق بشر که در چارچوب مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بشر محصور مانده از برخورد کامل با تغییرات به وجود آمده در حاکمیت دولت که به وسیله فرآیند جهانی‌شدن شتاب یافته است، عاجز است. در موضوع دستکاری ژنتیکی که اغلب ناقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر نه دولت است و نه کارگزار او؛ بلکه برای مثال، یک نهاد اقتصادی جهانی یا شرکت فراملی است، قوانین بین‌المللی حقوق بشر به دشواری می‌تواند چاره‌ای برای قربانی بدست دهد. در چنین مواردی قوانین بین‌المللی حقوق بشر حول مسئولیت دولت برای اتخاذ تدابیر قانون اساسی، قانون قضایی، اجرایی و سایر تدابیر به منظور تضمین حمایت از حقوق بشر قطع نظر از اینکه ناقض این حقوق کیست، متمرکز است.^۲ در موضوع تغییرات ژنتیکی نامطلوب ابهامات بسیاری در زمینه جرم انگاری و اثبات مسئولیت دولتها وجود دارد. به طور نمونه ژن‌ها نه تنها در بروز صفات فیزیکی، بلکه در ایجاد رفتارها و بیماری‌های روانی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در نتیجه این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا انسانی که در ساختار ژنتیکی او دستکاری شده می‌تواند علیه دست‌اندرکاران امر اقامه دعوی کیفری یا مدنی کند و آیا اعمال احتمالی ناقض حق - که در جریان عملیات مربوط صورت می‌پذیرند - حقی را برای بیمار ایجاد می‌کند؟! تعارض در اینگونه مسائل و پیدایش مسئولیت دولتها وقتی بروز می‌کند که دولتها به بهانه‌های مختلف از مسیر اصلی وظایف حاکمیت که تأمین حقوق و آزادیهای عمومی بشر است خارج شوند و با حقوق طبیعی انسانها فاصله بگیرند.^۳

^۱. تیموری، منبع پیشین، صص ۹۵-۹۴.

^۲. فروغی‌نیا، منبع پیشین، ص ۱۶۱.

^۳. ابراهیمی، جهانبخش، سیری در حقوق بشر، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

اصل ۷ اعلامیه ریو نیز به مسئولیت دولت‌ها اشاره می‌کند که کلیه دولت‌ها باید در حفظ و نگهداری و بازیافت سلامت و انسجام اکوسیستم‌های کره زمین و با روحیه‌ای آکنده از مشارکت بین‌المللی با یکدیگر همکاری نمایند. با توجه به سهم متفاوت کشورهای جهان در تخریب محیط زیست، دولت‌های مختلف دارای مسئولیت مشترک، لیکن متفاوت می‌باشند. کشورهای توسعه یافته که در مسائل بیوتکنولوژیک و اصلاح ژنتیکی جلودار کشورهای در حال توسعه می‌باشند، با توجه به فشارهایی که جوامع آنها بر محیط زیست جهانی وارد نموده و نیز با توجه به تکنولوژی‌ها و منابع مالی که در اختیار دارند مسئولیت خویش را در رابطه با تلاش جهانی برای توسعه پایدار، اذعان و تأیید می‌نمایند.

علی‌الاصول قوانین حقوق بشر مانند قوانین بین‌المللی دیگر از قدرت اجرایی که بتواند افراد را در کشورهای مختلف به تطبیق آن مجبور کنند، برخوردار نیست. اصول قانونی حقوق بشر و توافقات بین‌المللی از جمله لاهه و ژنو و منشور سازمان ملل و ملحقات آن که الزام‌آور هستند نیز از ضمانت اجرایی برخوردار نیست و قدرت اجرائی آنها در کشورها غالباً ناشی از اجبار سیاسی است نه قدرت اجبار حقوقی، زیرا هنوز نظریه عدم امکان دولتها در حقوق بین‌الملل کماکان از قدرت لازم برخوردار است.^۱

اعلامیه یونسکو راجع به ژنوم انسانی در ماده نخست خود اعلام می‌دارد که ژنوم انسانی، مبنای وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و نیز شناسایی شأن ذاتی و تمایز آنها می‌باشد. این اعلامیه پس از آنکه در ماده ۱۱ خود، از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار دعوت می‌کند که در شناسایی اعمال مغایر با شأن بشر و اتخاذ تدابیر لازم در سطوح ملی و بین‌المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه

^۱. شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۲.

همکاری نمایند، در ماده ۱۳ خود از مسئولیت های ذاتی فعالیت های پژوهشگران و سیاستمداران سخن گفته و در ماده ۲۱ تصریح می کند که کشورها باید اقدامات مناسب انجام دهند تا سایر شکل های پژوهش، آموزش و انتشار اطلاعات را که باعث افزایش آگاهی جامعه و همه اعضای آن نسبت به مسئولیت های خود در رابطه با مسائل بنیادی مربوط به دفاع از منزلت انسان می شود، تشویق کند. کشورها همچنین باید بحث علمی بین المللی در این زمینه را تسهیل و ابرازآزادانه عقاید گوناگون اجتماعی، فرهنگی، دینی و فلسفی را تضمین کنند.

گزارش کمیته ویژه متخصصان اخلاق زیستی شورای اروپا درباره تولید مثل مصنوعی انسان^۱ در اصول ۱۶-۱۹، تولید جنین انسانی را به خاطر اهداف پژوهشی ممنوع دانسته است. تحقیق بر جنین هایی که خارج از رحم ایجاد شده اند را نیز مشروط به رعایت شرایط دقیق و سخت و به منظور تأمین منافع جنین مجاز دانسته و غیر از آن را ممنوع اعلام کرده است. همچنین بند دوم اصل نخست این گزارش مقرر می دارد که تکنیک های تولید مثل مصنوعی نباید به منظور تعیین خصوصیات ویژه ای در کودک به کار روند، به ویژه به منظور تعیین جنسیت آن، مگر در مواردی که مطابق با زیر بند الف بند پیشین، این امر به منظور پیشگیری از یک بیماری جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت باشد. تعیین اینکه بیماری جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت چیست، برعهده حقوق ملی هر کشور گذارده شده است. اما در این گزارش به مسئولیت دولتهایی که از فناوری ژنتیک به منظور تغییر خصوصیات جنین استفاده می کنند، هیچ اشاره ای نشده است. همچنین در اسناد بین المللی دیگر تنها به ممنوعیت این امر اشاره شده و ولی ابزارهای الزام

^۱. Council of Europe, Ad Hoc Committee of Experts on Bioethics, Report on Human Artificial Procreation, 1989. available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/artificialprocreation.html>.

دولت‌ها به رعایت این ممنوعیت‌ها مشخص نگردیده است. به طور نمونه به استناد ماده ۱۴ پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شأن انسان در خصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی، در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ میلادی شورای اروپا یاد شده، استفاده از تکنیک‌های تولید مثل با کمک‌های پزشکی، به منظور تعیین جنسیت کودک مجاز نخواهد بود، مگر برای پیشگیری از امراض جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت، همچنین ماده ۱۸ کنوانسیون یاد شده نیز امکان تحقیق بر روی جنین‌های خارج از رحم را با لحاظ تأمین‌های ویژه برای حفاظت از جنین مجاز دانسته است.

مواد سیزدهم تا شانزدهم اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به شرایط انجام فعالیت علمی درباره ژنوم انسانی پرداخته و بر این اساس در ماده ۱۳ مقرر نموده که مسئولیت‌های ذاتی در فعالیت‌های پژوهشگران از جمله دقت و موشکافی، احتیاط، صداقت عقلایی و یکپارچگی و بی‌نقصی (درستی) در انجام پژوهش‌ها و همچنین در ارایه و استفاده از یافته‌های علمی، به دلایل اخلاقی و الزامات اجتماعی باید به طور ویژه‌ای در انجام پژوهش‌ها درباره ژنوم انسانی مورد اهتمام پژوهشگران باشد. سیاستگذاران علمی عمومی و خصوصی نیز مسئولیت‌های ویژه‌ای در این ارتباط دارا می‌باشند. همچنین در کنار مسئولیت‌های پژوهشگران، دولت‌ها نیز باید شرایط مادی و معنوی مناسب برای تأمین آزادی در انجام پژوهش درباره ژنوم انسانی و بررسی مفاهیم و پیامدهای اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی چنین پژوهشی را بر اساس آنچه در این اعلامیه مقرر شده با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب، فراهم آورند (ماده ۱۴). اما این رهیافت در جایی که دولت به دلیل اثرات احتمالی این تدابیر بر سرمایه‌گذاری‌های نهادهای اقتصادی بین‌المللی مایل یا قادر به اتخاذ این تدابیر نباشد، مؤثر نخواهد بود.^۱

^۱. Maxwell R, (2001), International Human Rights, American Society of International Law, p.p 754- 784.

در بحث دستکاری ژنتیکی مفاهیم اخلاق زیستی و ایمنی زیستی و مسئولیت اخلاقی ناشی از نقض اینگونه موارد معنا می‌یابد، حال آنکه مسئولیت اخلاقی در حقوق بین الملل جایگاهی ندارد و آنچه که در این راستا مطرح می‌شود تعهد اخلاقی دولت‌هاست نه مسئولیت اخلاقی آنها. دولت‌ها مسئولیت کیفری خویش را نیز قبول ندارند تا به امروز هیچ سند بین‌المللی مبنی بر قبول چنین مسئولیتی به تصویب دولت نرسیده است.^۱ اما این مسئله به معنی نادیده انگاشتن مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین الملل نیست. نقض حقوق بشر در زمینه دستکاری ژنتیکی تنها در مواردی جرم تلقی می‌شود که حقوق بین الملل کیفری عمل جرم را دانسته باشد. دستکاری ژنتیکی نامطلوب در ژن‌های اولیه انسانی که به نوعی میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود و همچنین دستکاری ژنتیکی در نوع گیاه و حیوان که تعادل زیستی را بهم می‌زند و در مواردی موجب صدمات جبران ناپذیری در محیط زیست می‌شود، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت محسوب شود.^۲ البته ماده ی ۱۹ طرح سال ۱۹۹۶ میلادی کمیسیون حقوق بین الملل راجع به مسئولیت بین المللی کشورها، در بند دوم نقض فاحش و گسترده ی یک تعهد بین المللی که برای حفظ وجود بشری دارای اهمیت اساسی می باشد را جرم دانسته است و از طرفی در بند سوم نقض فاحش تعهد بین المللی که برای تضمین و حفظ محیط زیست انسانی واجد اهمیت اساسی می باشد را جنایت دانسته است. در ماده ی ۱۹ طرح هر چند از واژه ی جنایت استفاده شده اما این به هیچ وجه به این معنی نیست که مقصود تدوین کنندگان طرح، پیش کشیدن مسئولیت کیفری بین المللی برای کشورها باشد. عمل متخلفانه ی بین المللی چه جنایت باشد و جرم یا جنحه، عملی است که ممکن است مسئولیت بین المللی غیر کیفری کشورها

^۱. زمانی، منع پیشین، شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین الملل بشر، صص ۳۲-۲۸.

^۲. Beyleveled D, Browns word R, (2002), Human Dignity in Bioethics and Biolaw, Oxford University Press, p.p.26-27.

را پیش آورد، به علاوه طرح کمیسیون حقوق بین الملل به تنهایی نمی توانست مبنای قانونی برای اتهامات احتمالی و بعدی کشورها شود بلکه باید یک سلسله قواعد دیگر نیز به آن افزوده شود. شاید به همین دلیل بود که در طرح نهایی کمیسیون ماده‌ی ۱۹ حذف گردید.^۱

در قطعنامه‌ی موسسه‌ی حقوق بین الملل نه فقط تعهدات جلوگیری کننده از شدیدترین نقض حقوق بشر جزو قواعد آمره قرار دارند، بلکه تعهدات کلی دولت‌ها دائر بر تضمین رعایت حقوق بشر، بدون هیچگونه تفکیکی میان قواعد آن حقوق و میان میزان نقض آنها، نیز در زمره‌ی قواعد آمره آمده اند. این قطعنامه در چارچوب حقوق بشر ابعاد جدید را مطرح می کند که می تواند به عنوان گامی به پیش در راستای تشویق و حمایت حقوق بشر لحاظ شوند. اما این قطعنامه نگرانی هایی را هم ایجاد می کند که به نظر درست می باشند.^۲ این قطعنامه با اعلام رعایت حقوق بشر به عنوان یک تعهد عام الشمول، دولت‌ها را مجاز می سازد که به طور یک جانبه تدابیر، مجازات‌ها یا اعمال متقابلی را برای حمایت از حقوق بشر انجام دهند. لذا اینکه هر دولتی چگونه اعمال افراد حقوق عمومی و خصوصی خود را در زمینه دستکاری ژنتیکی مورد پیگرد قرار می دهد، به حقوق داخلی و شیوه قانونگذاری آنها در مسائل بیوتکنولوژیکی بستگی دارد.

مطابق با اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین المللی حق برخورداری از محیط زیست سالم از قواعد آمره‌ی حقوق بین الملل عام در زمینه‌های حقوق بشر محسوب می شود و هرگونه نقض آن در نتیجه‌ی عمل متخلفانه‌ی بین المللی از جمله دستکاری های ژنتیکی نامطلوب در گیاه، از موارد نقض حقوق بشر می باشد که منجر به مسئولیت بین المللی ناقضان می -

^۱. تیموری، صص ۹۷-۹۴.

^۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نگرشی بر مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۱.

شود. مطابق با مواد ۴۰ و ۴۱ بخش سوم طرح مواد راجع به مسئولیت کشورها، هر کشوری در قبال نقض هر قاعده‌ی آمره‌ی بین‌المللی مسئولیت دارد. در قبال برخی از حقوق بشر که در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده، مسئولیت بین‌المللی توجه اشخاص حقیقی است. (مانند جنایت علیه بشریت) و در سایر موارد مسئولیت، متوجه کشورهاست. از طرفی اشخاص حقیقی که در زمینه تغییرات ژنتیکی نامطلوب به معنای عام، قربانی نقض حقوق بشر شده باشند، حق مراجعه‌ی مستقیم به برخی از نهادهای حقوق بشری و مراجعه‌ی غیرمستقیم از طریق حمایت دیپلماتیک برای نقض حقوق بشر دارا می‌باشند.^۱

از پیامدهای بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر مقرر در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی، حکم به مجازات (ماده‌ی ۷۷) و جبران خسارت معینی علیهم (ماده‌ی ۷۵) و بالاخره تعلق غرامت (ماده‌ی ۸۵) است. در قبال نقض حقوق بشر در حقوق مسئولیت بین‌المللی (غیر کیفری)، مقرر در طرح مواد راجع به مسئولیت کشورها، این پیامدها عبارتند از: اعاده‌ی وضعیت به حال سابق (ماده‌ی ۳۵)، جلب رضایت زیان دیده (ماده‌ی ۳۷)، اقدامات متقابل (مواد ۴۹ تا ۵۴) و پرداخت غرامت (مواد ۳۶، ۳۸ و ۳۹).

بخش سوم: مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ناشی از عدم رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشری در زمینه تغییرات ژنتیکی

بند اول: مفهوم مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی

موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در جلسه پنجاه و هفتم کمیسیون حقوق بین‌الملل مجمع عمومی در سال ۲۰۰۲ در دستور کار قرار گرفت. طرح مسئولیت بین‌المللی

^۱ خوزه جیل، آمپاروسان، مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر، ترجمه دکتر ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۹، صص ۲۶۶-۲۵۹.

سازمان‌های بین‌المللی^۱ طی ۶۶ ماده و با الهام از طرح مواد مربوط به مسوولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی (ماده ۵۹) به تصویب کمیسیون رسیده است و کمیسیون نیز تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۱ میلادی را جهت ارسال نظرات دولت‌ها در خصوص موضوع مزبور تعیین کرده بود.

برخورداری نهادهای بین‌المللی از مسئولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر مستلزم داشتن شخصیت حقوقی می‌باشد. لذا یکی از تبعات شخصیت حقوقی سازمانها، مسئولیت در نتیجه نقض مقررات حقوق بین‌الملل است. در واقع لازمه مسئولیت، دارا بودن شخصیت بین‌المللی و به تعبیر دقیق‌تر مستلزم برخورداری از حقوق و تکالیف بین‌المللی است.

از جنبه نظری، شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانها به این مفهوم است که دولتها دیگر تنها دارنده شخصیت حقوقی در نظام بین‌المللی نیستند و دولتها با رقیبانی روبرو می‌شوند که دارای اراده و شخصیت مستقل از نظر عملی می‌باشند، یعنی نهاد بین‌المللی دارای اهلیت بین‌المللی بوده و بدون نیاز به کشورهای عضو قادر به اقدام مستقل می‌باشند و بدون کمک دولتها قادر به انعقاد عهدنامه، حمایت از مامورین خود و غیره است.

بنای نظری شخصیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، مدیون نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کنت برنادوت است که دیوان با کلماتی کلی، شخصیت بین‌المللی سازمان ملل متحد را به رسمیت شناخت. روشن است که نظر دیوان محدود به سازمان ملل نبوده و بی‌شک قابل اعمال درباره دیگر نهادهای بین‌المللی است. دیوان متذکر می‌شود که باید پذیرفت که اعضاء سازمان با واگذاری برخی از فعالیت‌هایی که در بردارنده تکالیف و مسئولیت‌هایی است؛ سازمان را از صلاحیت لازم برخوردار کرده‌اند

^۱. Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (2011).

تا بتواند به طور مؤثر به انجام فعالیت هایش بپردازد. به عبارت دیگر، دیوان بین المللی دادگستری با اعمال نظریه صلاحیتهای ضمنی از مأموریت‌های داده شده به نهاد بین‌المللی، به عنوان معیار و مقیاسی برای برآورد مسئولیت‌های آنان استفاده می‌کند. بنابراین اگر سازمانهای بین‌المللی باعث ورود خساراتی به سازمان‌های دیگر و یا دولتی شده باشند، دارای مسئولیت مستقیم می‌باشند.^۱

بند دوم: مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ناشی از عدم رعایت قواعد بین-المللی حقوق بشری در زمینه تغییرات ژنتیکی

سازمانهای بین‌المللی موجودیتی اعتباری دارند و اقدامات آنها در عالم واقع به واسطه مجموعه‌ای از افراد انسانی صورت می‌پذیرد که در قالب ارگان‌ها و کارکنان سازمان عمل می‌کنند. از این رو در تعیین مسئولیت سازمان در زمینه تغییرات ژنتیکی این امر نقشی حیاتی دارد که اعمال و رفتار کدام اشخاص اعمال سازمان محسوب می‌گردد و تحت چه شرایطی آن اعمال باید به حساب سازمان گذاشته شود به گونه‌ای که سازمان پاسخگوی اعمال آنها باشد. بنابراین باید محرز شود که نقض تعهد حقوق بشری، نتیجه عمل آن سازمان بوده است. لذا دستکاری ژنتیکی نامطلوب که منجر به نقض فاحش حقوق بشری اشخاص حقیقی و در سطحی کلی‌تر منجر به نقض حاکمیت دولتها می‌شود، اگر از طریق افرادی صورت پذیرد که مطابق اساسنامه سازمان صلاحیتدار می‌باشند، این اعمال مسئولیت بین‌المللی سازمان مربوطه را نیز در پیش خواهد داشت. لازم به ذکر است که مسئولیت بین‌المللی زمانی تحقق می‌یابد که دو عنصر اساسی وجود داشته باشد، اولاً نقض تعهدی صورت گرفته باشد، ثانیاً آنکه قابل انتساب بودن عمل به سازمان احراز شده باشد. علاوه بر

^۱. زمانی، سید قاسم، تاملی بر مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۶، صص ۲۲۸-۲۲۴.

این انتساب اعمال ارگان‌ها به سازمان نتیجه منطقی این امر است که این ارگان‌ها از شخصیت حقوقی مستقل محروم‌اند و به همین جهت نمی‌توانند در سطح بین‌المللی به سبب یک عمل نامشروع، دارای مسئولیت باشند. بر اساس بند ۱ ماده ۴ طرح مقدماتی پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت سازمانهای بین‌المللی، رفتار ارگان یک سازمان بین‌المللی در انجام وظایف خویش، طبق حقوق بین‌الملل عمل آن سازمان قلمداد خواهد شد قطع نظر از جایگاهی که آن ارگان در سازمان مزبور دارا می‌باشد.^۱

کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت سازمانهای بین‌المللی در ماده ۵ اعلام می‌دارد رفتار ارگان یک دولت یا ارگان یا کارگزار یک سازمان بین‌المللی که در اختیار سازمان بین‌المللی دیگر قرار گرفته است طبق حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل سازمان اخیر قلمداد می‌شود در صورتی که این سازمان بر آن رفتار کنترل مؤثر داشته باشد.

بند ۲ ماده ۴ طرح مقدماتی پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت سازمانهای بین‌المللی مقرر می‌دارد که کارکنان بین‌المللی مشتمل بر کارمندان بین‌المللی و دیگر اشخاص یا نهادهایی هستند که سازمان از طریق آنها اقدام می‌کند. انتساب اعمال کارمندان بین‌المللی به سازمان ذی ربط در پیوند کارکردی نهفته است که آنها با سازمان دارند. این افراد موظفند به نام و حساب سازمان امور محوله را انجام دهند بدون این که از این حیث به عنوان شخص خصوصی مطرح باشند، به تعبیر دقیق تر آنها نه به صورت مستقل و در سمت شخصی خود، بلکه در اهلیت رسمی به عنوان اجزای سازمان عمل می‌نمایند و بدیهی است که آثار و تبعات عمل آنها متوجه سازمانی است که در آن خدمت

^۱. A.Stumer, 2007, "Liability of Member States for Acts of International Organizations: Reconsidering the Policy Objections", Harvard International Law Journal 48, no.2, p. 569.

می‌کنند. همچنین سازمان فقط مسئول اعمال مربوط به اجرای تکالیف رسمی و اقدام در سمت رسمی^۱ آنان می‌باشد. نکته حائز اهمیت آن است که تاکنون هیچ کدام از کارکنان و یا ارگانهای تخصصی سازمان‌های بین‌المللی بدلیل نقض حقوق بشر در زمینه تغییرات ژنتیکی و به صورت کلی تر اعمال بیولوژیکی خلاف عرف حقوق بشری، مسئول بین‌المللی قلمداد نشده و مجازاتی برای این دسته از افراد که در غالب یک سازمان بین‌المللی فعالیت می‌کنند، در نظر گرفته نشده است.^۲ اما این موضوع گویای این مسئله نیست که تاکنون نقض حقوق بشر در زمینه تغییرات ژنتیکی از طریق این دسته از تابعان حقوق بین‌الملل رخ نداده است، بلکه گویای این حقیقت است که جامعه بین‌المللی تا ایجاد نظام حقوق بشری حاکم بر مسئله تغییرات ژنتیکی فاصله بسیار دارد که یکی از دلایل آن می‌تواند این مسئله باشد که عمدتاً فناوری ژنتیک در دست کشورهای دارای قدرت سیاسی همچون آمریکا می‌باشد که دائماً شکل‌گیری مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولتها و نهادهای بین‌المللی را در زمینه موضوعات فناوری ژنتیک و ایجاد ساختار حقوقی منظم در این زمینه را به تعویق می‌اندازند.

از آثار و نتایج مسئولیت سازمانهای بین‌المللی تعهد به جبران خسارت است. در هر نظام حقوقی اثر طبیعی مسئولیت، لزوم جبران خسارت وارده است. وظیفه جبران خسارت یک تعهد بین‌المللی ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است و تکلیفی جدید و مستقل از تعهد اصلی به شمار می‌رود. لذا اگر سازمانی به تعهدات خود مطابق آنچه در اسناد حقوق بشری مرتبط با موضوع دستکاری ژنتیکی ذکر شده است، عمل نکند و یا مرتکب اعمالی شود که به لحاظ حقوق بین‌المللی منع شده تلقی نمی‌شود اما موجب بروز

^۱. Acting in that Capacity.

^۲. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۰۲.

خسارت شود، می‌بایست آن را جبران نماید. بنابر این ارگان‌های صلاحیت‌دار در سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد اگر برای تولید مواد غذایی بیشتر به دستکاری ژنتیکی نامطلوب در بذر گیاهان اقدام کنند که در بلند مدت موجب ضررهای جبران ناپذیری به محیط زیست می‌شود، متعهد به جبران خسارت و مطابق اسناد حقوق بشری دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشند.^۱

در دادگاه نورنبرگ و توکیو نیز به دلیل توجه قضات به عنصر معنوی (علم و آگاهی)، هرچند مجرمانه بودن اشخاص حقوقی اعلام گردید، اما این کار برای مجازات اعضای آن‌ها بود، نه مجازات شخص حقوقی؛ چون دادگاه چنین اظهار می‌دارد که اعلام یک سازمان به عنوان جنایتکار بیانگر این نیست که همه افراد آن سازمان جنایتکارند، بلکه کسانی که رأساً در ارتکاب اعمال خلاف حقوق شرکت داشته‌اند، متهم هستند. اعضای سازمان مجرمانه که عالم به اهداف و فعالیت‌های آن بوده و با اراده عضویت آن راپذیرفته‌اند، قابل مجازات‌اند نه همه اعضا.

بخش چهارم: مسئولیت شرکت‌های بیوتک ناشی از عدم رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشری در زمینه تغییرات ژنتیکی

واضعان قوانین بین‌المللی حقوق بشر باید از فرصت‌های فراهم شده در نتیجه جهانی شدن برای توسعه چارچوب انعطاف پذیرتری که در آن مسئولیت نقض حقوق بشر تنها متوجه دولتها نباشد، استفاده کنند، به نحوی که دولتها باید سازوکارهای مناسب را برای همه افراد، گروه‌ها و دیگران فراهم سازند تا آنها بتوانند شکایات خود را درباره هر نوع نقض حقوق بشر از سوی شرکت‌های بیوتک و افراد حقیقی همچون پزشکانی که در فرآیند

^۱. رضایی ناندلی، منبع پیشین، ص ۶۲.

دستکاری ژنتیکی فعالیت می‌کنند و همچنین طرح مسئولیت آنها، ابراز کنند.^۱

شرکت‌های بیوتک و افراد حقوق خصوصی مسئولیت دارند که مطابق دستورالعمل سازمان بهداشت جهانی، در زمینه دستکاری ژنتیکی و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع عمل کنند. بدین صورت که مطابق این دستورالعمل سوژه پژوهش باید از همه اطلاعات مربوط به پژوهش آگاه باشد و فرصت و جسارت کافی برای طرح پرسش‌های خود را بیابد، فریب نخورده و تهدید نشده باشد، رضایت خود را پس از داشتن اطلاعات، فرصت تفکر و طرح پرسش‌هایش ابراز کرده باشد و رضایت خود را به صورت مکتوب ابراز کرده باشد.^۲

بر این شرایط می‌توان شرطی دیگر افزود که فرد باید بتواند پس از بررسی‌های بیشتر و در صورتی که مراحل از آزمایش باقی مانده باشد، رضایت خود را پس بگیرد. از دغدغه‌های مهم در انجام پژوهش‌ها، کسب رضایت بیماران در حال کما یا کسانی است که به هر دلیل نمی‌توانند رضایت خود را ابراز کنند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که حتی اگر کسی رضایت خود را برای انجام پژوهش اعلام کرد، به لحاظ اخلاقی و حقوق بشری و رعایت کرامت انسانی، نمی‌توان هر نوع آزمایشی را روی او انجام داد.^۳

اصل دوم توصیه نامه شماره ۹۲ کمیته وزیران شورای اروپا،^۴ در بند ب خود، آزمایش‌های ژنتیکی را تنها در صورتی مجاز می‌داند که با مسئولیت پزشک متخصص

^۱. Sellers, Mortimer, (1996), in the New World Order: Sovereignty, Human Rights and Self – Determination of Peoples, berg publishers, p 251.

^۲. عباسی، محمود، نقش رضایت در پژوهش‌های علوم پزشکی، چاپ اول، انتشارات حقوقی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۵.

^۳. راسخ، منبع پیشین، ص ۲۸۴.

^۴. Recommendation No. R (92) 3 on Genetic Testing and Screening for Health Care Purposes, (1992).

صورت پذیرد. اصل ۱۲ این توصیه نامه نیز تصریح می‌کند که پروژه‌های پژوهشی که دربرگیرنده اطلاعات پزشکی ژنتیکی هستند باید مطابق استانداردهای اخلاق پزشکی و زیر نظارت مستقیم پزشک مسؤول و یا در شرایط استثنایی، دانشمند مسؤول صورت پذیرد. لذا مطابق این اسناد زمانی که مسئله دستکاری ژنتیکی در فرآیند پزشکی و بیولوژیکی محقق می‌شود علاوه بر دولت مربوطه که در مقابل سازمان‌های حقوق بشری مسؤول است، مسؤول اولیه این امر در سطح ملی خود پزشک می‌باشد.

توصیه نامه کنفرانس عمومی یونسکو درباره وضعیت پژوهشگران علوم،^۱ ازتضمین وضعیت عادلانه برای دست‌اندرکاران پژوهش و آزمایش در حوزه دانش و فناوری در کنار «مسئولیت‌های ذاتی» و حقوق لازم برای ایفای نقش آنان سخن گفته و تصریح کرده است که واژگان «پژوهشگران علوم» افرادی را دربر می‌گیرد، که مسؤول تحقیق بر یک حوزه ویژه دانش یا فناوری هستند. بیانیه شورای بین‌المللی پرستاران درباره مجازات اعدام^۲ و مشارکت پرستاران در آن از مسؤولیت بنیادین پرستاران برای اموری از جمله پیشگیری از بیماری، بازگرداندن سلامت و کاهش درد و عواملی که می‌توانند توجیه‌کننده عملیات دستکاری ژنتیکی باشند یاد کرده است. با آنکه این بیانیه در سیاق ویژه اعدام طراحی شده است، اما نشان می‌دهد که به باور دست‌کم بخشی از تابعان حقوق بین‌الملل، نقض تعهد نسبت به امور یاد شده به وسیله دست‌اندرکاران دستکاری ژنتیکی می‌تواند نشانگر قصور و در نتیجه مسؤولیت آنها باشد.

اصول عفو بین‌الملل درباره تحقیقات پزشکی در شکنجه و دیگر رفتارهای خشن،

^۱. Recommendation on the Status of Scientific Researchers, UNESCO Gen. Conf. Res. 18 C/Res.40, 18th Sess. (1974).

^۲. International Council of Nurses, Statement on the Death Penalty and Participation by Nurses in Executions (1989; reviewed in 1991; replaced, 1998).

غیرانسانی و توهین‌آمیز^۱ با درج واژگان مسئولیت‌های حرفه‌ای^۲ در ماده ۵ خود با لحنی مطلق و غیر احصایی به دولت‌ها توصیه می‌کند که در این زمینه، مجازات مسولان نقض حقوق بشر را تضمین و نقش متخصصان امر سلامت را در سوء استفاده از اطلاعات بیولوژیکی تفتیش کرده و بزهکاران را مورد پیگرد قانونی قراردهند. امروزه بیشتر کشورها، مجموعه اصول اخلاقی را برای انجام پژوهش‌های علمی از طریق شرکت‌های بیوتک بر روی سوژه‌های انسانی تدوین کرده‌اند. این مجموعه قوانین‌های اخلاقی، حدود اختیارات و مسئولیت‌های پژوهشگران را روشن می‌سازند، حقوق سوژه‌های پژوهشی را شناسایی می‌کند و در برابر خطرات احتمالی از آنها حمایت می‌نماید.

مجموعه اصول اخلاقی که مؤسسه علوم عدالت کیفری^۳ در سال ۱۹۹۸ میلادی تهیه کرد، به صراحت بیان می‌دارد که فرآیند انجام پژوهش نباید پاسخگویان را در معرض بیش از حداقل خطر آسیب شخصی قرار دهد و اعضای موسسه باید همه تلاش خود را برای تضمین امنیت و سلامت پاسخ‌گویان و کارکنان طرح پژوهشی انجام دهند. (بند ۱۶) اعضای موسسه باید اقدامات لازم را برای کسب رضایت آگاهانه و پرهیز از تعرض به زندگی خصوصی اتخاذ کنند، افزون بر اینکه اگر سوژه‌های پژوهشی افرادی بی سواد، دارای اهلیت مخدوش، ناآشنا به پژوهش‌های اجتماعی یا افرادی با موقعیت نابرابر نسبت به پژوهشگر هستند، باید اقدامات ویژه‌ای برای حمایت از آنها اتخاذ شود. (بند ۱۷)^۴

^۱. Amnesty International, Principles for the Medical Investigation of Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment, Appendix 2, Prescription for Change: Health Professionals and the Exposure of Human Rights Violations at 39, Amnesty International Report No. ACT75/01/96 (1996).

^۲. Professional Responsibilities.

^۳. Academy of Criminal Justice Sciences (ACJS).

^۴. چمپیون، منبع پیشین، صص ۱۹۸-۱۹۶.

در حقوق امریکا و انگلستان، مسئولیت جزائی شرکت‌های بیوتک و اشخاص حقوقی یک سنت استقرار یافته‌ای محسوب می‌شود، در حالیکه در کشورهایی که سنت‌های قانون رم قدیم در آنها غلبه دارند، اصل عدم مسئولیت اشخاص حقوقی^۱ حفظ شده است. همان‌طوری که کمیته فرعی مسائل جزائی کمیته اروپائی در گزارش خود نوشته است که این بخصوص در بخش محیط زیست است که عدم مسئولیت اشخاص حقوقی مشکلات مهمی را بوجود می‌آورد. خطرناک‌ترین نوع دستکاری ژنتیکی بوسیله شرکت‌های بیوتک صورت می‌گیرد. تعقیب و محکومیت رئیس و یا مدیر اجرایی یک شرکت همیشه نسبت به آن شرکت اثر بازدارنده‌ای نخواهد داشت. لذا برای حمایت از حقوق بشر، مجازات شرکت‌ها بعنوان اشخاص حقوقی، از مجازات روسا و یا کارکنان این موسسات موثرتر خواهد بود. بعلاوه اگر شرکت قابل مجازات نباشد، ممکن است هیچکس به مجازات نرسد. در کشورهای گروه دوم، ظاهراً وضع بتدریج تغییر می‌یابد. مثلاً در فرانسه، طرح جدید قانون جزا در ماده ۲۱۰ خود مسئولیت کیفری شرکت‌ها را پذیرفته است.

ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وجود عنصر معنوی را در تحقق جرم الزامی دانسته است. بنابراین استناد جرم به اشخاص حقوقی، از آن جهت که فاقد عنصر معنوی هستند، در معرض ابهام و تردید قرار دارد. با توجه به این که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای تحقق جرم و مجازات مجرم، وجود عناصر مادی، معنوی و قانونی شرط دانسته شده، ارتکاب جرایم مصرّح در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه، چه اعم از شخصی یا سازمان یافته، دارای مسئولیت کیفری است؛ یعنی در صورتی که جرم به دستور مستقیم رئیس شرکت بیوتک باشد، وی مجرم بین‌المللی شناخته می‌شود و در واقع، مسئولیت کیفری شرکت همان مسئولیت کیفری کارگزاران آن است.

^۱. Societas Delinquere Non Potest.

نتیجه‌گیری

جوهره‌ی اصلی حقوق بشر پاسداری از حیثیت انسانی است. هر انسانی فارغ از جنس، رنگ، نژاد و مذهب دارای حیثیت برابر با دیگر انسان‌ها است. برخورداری از حیثیت و کرامت انسانی برابر، از اصول بنیادین حقوق بشر است که در هیچ شرایطی تخصیص نمی‌پذیرد. بنابراین منشأ برخورداری از حقوق برابر و یکسان، حیثیت انسانی برابر و یکسان است نه تعلق به جنس، نژاد، مذهب و یا حتی خط مشی سیاست غالب. لذا مهم‌ترین چالش امروزین جهان مسأله‌ی توجه به مسائل حقوق بشر و مشکلات ناشی از نقض تعهدات حقوق بشری بنیادین توسط دولت‌ها است. به حدی که به جرأت می‌توان ادعا کرد قرن حاضر دوره‌ی توجه به این مقوله و تشکیل دولت‌هایی است که حقوق بشر را در عمل بتوانند نهادینه کرده و ضمانت اجرای داخلی آن را تضمین کنند.

امروزه با وجود طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت دولت‌ها و همین‌طور منابع حقوق بشر، مرز مشخصی میان قواعد آمره و تعهدات قراردادی برای تعیین مسئولیت نسبت به نقض حقوق بشر در زمینه تغییرات ژنتیکی وجود ندارد. دولتها و دیگر نهادهای بین‌المللی در عرصه فناوری ژنتیک مطابق با اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشری حقوق و تعهداتی دارند اما نکته حائز اهمیت آن است که در کنار ذکر این تعهدات در اسناد مربوطه سخنی از جبران خسارت در نتیجه نقض این تعهدات به میان نیامده است لذا در عرصه دستکاری ژنتیکی می‌بایست از سایر اسناد بین‌المللی در زمینه مسئولیت و جبران خسارت کمک گرفت تا ناقضان حقوق بشر در زمینه تغییرات ژنتیکی نامطلوب بدون مجازات رها نشوند.

منابع و مآخذ

- ۱- آساد، محمد تقی. مبانی ژنتیک. دنیا، ۱۳۸۰.
- ۲- جبارپور بنیادی، حسین پور فیضی. ژنتیک انسانی و بیماری‌های ژنتیکی انسان. هنر و فرهنگ ۱۳۶۶.
- ۳- حق جو، مصطفی. بانک اطلاعات علمی- کاربردی. جلد اول، مفاهیم بنیادین، ویرایش سوم. دانشگاه علم و صنعت ایران. ۱۳۸۵
- ۴- حق جو، مصطفی؛ صفائی، علی اصغر. بانک اطلاعات علمی- کاربردی. جلد دوم، مفاهیم پیشرفته، ویرایش سوم. دانشگاه علم و صنعت ایران. ۱۳۸۵
- ۵- داورپناه، احمد؛ مهدی قلی‌خان رامین. مدیریت مدارک پزشکی، معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، ۱۳۷۲
- ۶- شریفی بیدگلی، مینا و دیگران. "یک سامانه ذخیره سازی گرافیکی برای ذخیره داده- های همه گیری شبکه‌ای". نوزدهمین کنفرانس ملی سالانه انجمن کامپیوتر ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲